

الهام از قرآن در آثار ادبی حضرت امام خمینی (ره)

استاد علیرضا لطفی



الهام از قرآن در آثار ادبی حضرت امام خمینی (ره)

* قرآن در اندیشه های ادبی حضرت امام خمینی (ره) *

* چکیده:

امام خمینی (ره) احیاگر قرآن کریم در جمیع ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی بود و این احیاء گری را به شکل مختلف به ظهور رساند، از جمله آن اشکال زبان شعر بود. آن بزرگوار معتقد بود که (لسان شعر، بالاترین لسان هاست) (۱) شعر حضرت امام مویه ی روحگداز بشر از درد دیرین فراق، هیوط است و، ششقه انسان تبعیدی در هول و حیرت ظلمات طبیعت و سنگینی امانت و رسالت مندی انبیاء برای دستگیری انسان و شوق وصال:

سروده های حضرت امام سرشار است از مطالب و مضامین قرآنی. نگارنده بر آن است تا به یاد ایام خاموشی آن شمس فروزان - مجاهد و عارف وارسته ی دوران با تدبیر در غزلیات و رباعیات آن عزیز؛ عنایت او را به قرآن کریم، مطرح سازد و علاقمندان به ساحت حضرتش و هنرمندان ادیب را به سر این خوان میهمان نماید.

آری که او همواره از زلال وحی سرمست و غزلخوان می شد در غزلیات و رباعیاتش رویکرد ویژه ای به برخی آیات نموده است و ما در این مقاله به تفکیک ابیات متناسب با آیات قرآنی پرداخته ایم..

❖ کلیدواژه:

اشاره‌ای به عهدالست و قصه‌ی حضرت آدم علیه السلام؛ قصه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام؛ قصه‌ی حضرت موسی علیه السلام؛ قصه‌ی حضرت یوسف علیه السلام.

❖ اشاره‌ای به عهدالست و قصه‌ی حضرت آدم علیه السلام:

خداوند در قرآن کریم فرموده: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» و ای رسول ما به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم همه گفتند (بلی ما بخدائی تو گواهی می دهیم) (۲)

حضرت امام با عنایت به ماجرای [عهدالست] موضوع را از آیه فوق الهام گرفته و در اشعار خود بدان پرداخته اند:

دل درویش به دست آور که از سرالست

پرده برداشته آگاه ز تقدیرم کرد (۳)

و یا در یک رباعی دیگر [سر پنهان الست] را در فنا و نیستی مقابل حضرت حق بیان می دارند.

هشیاری من بگیر و مستم بنما

سرمست زباده الستم بنما

بر نیستم فزون کن از راه کره

در دیده ی فود هر آنچه هستم بنما (۴)

همچنین در قرآن آمده است:

«أَنَا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ

مِنهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»

ما بر آسمان ها و زمین و کوه های عالم عرض امانت کردیم همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند تا انسان پذیرفت و بسیاری از آنها در اداء امانت به راه جهل و عصبان رفتند. (۵)

امام با الهام از این آیه چنین سروده اند:



۲. سوره ی اعراف / ۱۷۲.

۳. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۸۲ / نشر عروج / ص ۷۸.

۴. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۶۲ / نشر عروج / ص ۱۸۶.

۵. سوره ی احزاب / ۷۲.

عارفان رخ تو جمله ظلومند و جهول
این ظلومی و جهولی، سر و سودای من است
عالم و جاهل و، زاهد همه شیدای تو اند
این نه تنها رقم سر سویدای من است (۶)
و چنین سروده اند:

آنکه بشکست همه قید، ظلوم است و جهول
و آنکه از فویش و همه گون و مکان غافل بودند
عاشق از شوق، به دریای فنا غوطه ور است

بی خبر آنکه به ظلمت‌گده ی شامل بود (۷)
آیات ذیل الذکر تبیین‌گر بخشی از قصه‌ی حضرت آدم علیه السلام می باشد.

۱- فآزلهما الشیطان عنها فاخرجهما مما کانا فيه وقلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو
پس شیطان آدم و حواری را بلغزش افکند و از آن درخت خوردند و بدین عصیان
هر دو از بهشت بیرون و گفتمیم به آدم و حوا فرود آیدند از بهشت... (۸)
امام با الهام از این آیه ماجرای فریب کاری شیطان و خروج حضرت
آدم و حوا از بهشت را چنین ترسیم می نماید.

زاده ی اسماء را با بینه المأوی چه کاری

در چم فردوس می ماند، اگر شیطان نبودی (۹)

و همچنین سروده اند:

فواست شیطان بد کند با من، ولی امسان نمود
از بهشتم برد بیرون، بسته ی جانان نمود
فواست از فردوس بیرونم کند، فوارم کند
عشق پیدا گشت و از ملک و ملک پران نمود (۱۰)

۲- «فتلقى آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هو التواب الرحیم» (۱۱)

پس آدم علیه السلام از خدای خود کلماتی آموخت و آن کلمات سبب پذیرفتن
توبه او گردید که خداوند توبه پذیر و مهربان است.

و امام با توجه به این آیه چنین سروده اند:

پزیشان مالی و در ماندگی ما نمی دانی

خطا کاری ما را فاش، بی پروا نمی دانی

ز جا بر فیز و، بشکن این قفس، بگشای غلها را

تو منزلگاه آدم علیه السلام را واره (لا) نمی دانی (۱۲)



۶ دیوان امام / نشر عروج / ص ۵۵

۷ دیوان امام / نشر عروج / ص ۹۸

۸ سوره ی بقره / ۲۵

۹ دیوان امام / مجموعه اشعار /

ص ۱۸۰ / نشر عروج / ص ۱۷۴

۱۰ دیوان امام / مجموعه اشعار /

ص ۱۱۵ / نشر عروج / ص ۱۰۹

۱۱ سوره ی بقره / ۲۶

۱۲ دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۷۴

فرهنگ واژگان الهام از قرآن در آثار ادبی حضرت امام خمینی (ره)

۳- «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَذِهِ خَلْقَ الْجِنِّ مِمَّنْ عَلَّمَكُم بَل لَّعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ»
 و خدای عالم همه اسماء را به آدم تعلیم فرمود و آنگاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود خبر دهید من را به اسماء (۱۳) امام با الهام از این آیه سروده اند:

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند
 قصه ی (علم الاسماء) به زبان است هنوز (۱۴)

و همچنین سروده اند:

۵- تو آدم زاده هستی (علم الاسماء) چه شد
 (قاب قوسیندت) کجا رفته است، (او ادنی) چه شد (۱۵)

در این بیت امام اشاره به آیه (فکان قاب قوسین او ادنی) (۱۶) نموده و بر غنای شعر خود افزوده اند.

✽ قصه حضرت ابراهیم (ع):

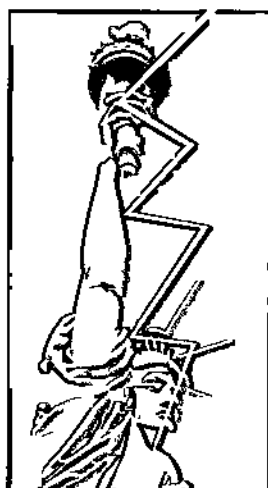
حضرت ابراهیم (ع) با براهین و حجت های زیبا وحدانیت حضرت حق تبارک و تعالی را اثبات و با برنامه اصولی به طاغوت شکنی و بت شکنی پرداخت و امام خمینی که برنامه بت شکنی را از حضرت ابراهیم خلیل ال (ع) به خوبی فرا گرفته بود به اجرای آن پرداخت و در اشعارش نهضت توحیدی حضرت ابراهیم (ع) را مورد توجه قرار داده است.

در قرآن کریم آمده است: «فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ...»

پس چون ماه تابان را دید باز برای هدایت قوم گفت این خدای من است وقتی آنهم نابود شد گفت من چیزی که نابود شود بخدائی نخواهم گرفت و اگر خدای من مرا هدایت نکند همانا من از گمراهان خواهم بود. (۱۷)

«فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي لِأَكُونَ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ»

پس چون خورشید درخشان را دید گفت این است خدای من که از ماه و ستاره روشن تر است پس چون نابود گردید گفت ای گروه مشرکان من از آنچه شما شریک خدا قرار می دهید بیزارم. (۱۸)
 و امام با الهام از احتجاجات حضرت ابراهیم (ع) مذکور در آیات چنین سروده اند.



- ۱۳. سوره بقره/۳۶
- ۱۴. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۲۷ / نشر عروج / ص ۱۲۱
- ۱۵. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۹۴ / نشر عروج / ص ۸۸
- ۱۶. سوره ی نجم / ل
- ۱۷. سوره ی انعام / ۷۷
- ۱۸. سوره ی انعام / ۸۸

زد فیل عالم چون شمس و قمر را به کنار
 جلوه دوست نباشد چه من و آفل من (۱۹)
 و چون نمرودیان در برابر منطق توحیدی حضرت ابراهیم علیه السلام
 محکوم شدند، آتشی به پا کردند تا ابراهیم خلیل را در
 آتش بسوزانند.

قرآن کریم می فرماید: «فلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم»
 و ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم بر ابراهیم شو. (۲۰)
 و امام چنین سروده اند:

ساقی از جام جهان تاب به جان عاشق
 آنچه با جان فلیل آتش نمرود نمود (۲۱)
 و همچنین سروده اند:

آتشی را که ز عشقش به دل و جانم زد
 جانم از فویش گذر کرد و فلیل آسا شد (۲۲)

✽ **قصه حضرت موسی علیه السلام:**

از دیگر موضوعات قرآنی که در اشعار حضرت امام (ره) مطرح
 شده - داستان هانی است که در قرآن پیراموت شخصیت حضرت
 موسی علیه السلام می باشد.

✽ **الف) داستان تجلی رب در کوه طور:**

قرآن کریم با ذکر داستان تجلی رب در کوه طور پیامبر خود را تسلی
 داده است.

«ولما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربّه قال رب انظر الیک قال لن ترانی ولكن
 انظر الی الجبل...» (۲۳)

و امام با الهام از این آیه چنین سروده اند:

جلوه کن در جبل قلب من ای یار عزیز

تا چه موسی بشنود زنده دل غافل من (۲۴)

طور سینا را به آتاه صبح آفر رسید

موسوی حق در پی فرعون باطل آمده (۲۵)

غمزده ات در جان عاشق بر فرزند آتشی

آنچنان کز جلوه ای با موسی عمران نمود (۲۶)



- ۱۹. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۷۲ / نشر عروج / ص ۱۶۸.
- ۲۰. سوره ی انعام / ص ۶۹.
- ۲۱. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۱۵ / نشر عروج / ص ۱۰۸.
- ۲۲. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۸۸ / نشر عروج / ص ۸۲.
- ۲۳. سوره ی اعراف / ص ۱۴۲.
- ۲۴. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۷۴.
- ۲۵. همان / ص ۱۷۸.
- ۲۶. همان / ص ۱۱۵.

و یا در رباعی دیگر به متلاشی شدن کوه و بیهوش شدن حضرت موسی علیه السلام اشاره دارند.

تا جلوه‌ی او جمال را دک نکند

تا صعق تو را زفویش مندک نکند

پیوسته قطاب (لن ترانی) شنوی

فانی شو تا خود از تو منفک نکند (۲۷)

در بیتی دیگر سروده اند:

دک کن جبل خودی خود چون موسی

تا جلوه کند جمال او بی (انی) (۲۸)

* (ب) وادی ایمن و آتش طور:

وادی ایمن و آتش طور نیز از جمله موضوعاتی است که در اشعار حضرت امام اینچنین آمده است.

«فلما أتيا نودي من شاطي الواد اليمين في البقعة المباركة من الشجرة ان

يا موسي اني انا الله رب العالمين» (۲۹)

ایمنی نیست در این وادی ایمن ما را

من در این وادی ایمن شبیری می جویم (۳۰)

موسى اگر ندید بشاغ شجر رفش

بی شک درفت معرفتش را ثمر نبود (۳۱)

اعتقاد امام بر آن است که جلوه حضرت حق را چون موسی در کوه

طور می توان نگریست و پوشیدگی مستوری جمال حق از جانب

ماست و اگر دیده حق بین باشد همه جا مانند کوه طور خداوند

تجلی می کند.

عیب از ماست اگر دوست ز ما مستور است

دیده بگشای که بینی همه عالم طور است (۳۲)

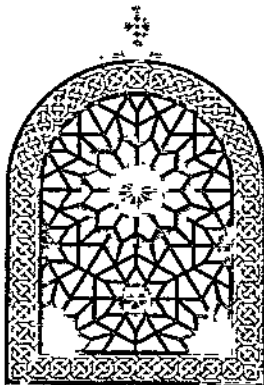
* قصه حضرت یوسف علیه السلام:

داستان حضرت یوسف علیه السلام با عنایت به جزایبیت های آن مورد توجه

بسیاری از شعرا قرار گرفته است. حضرت امام خمینی (ره) نیز

ابیاتی در این مورد سروده اند.

در قرآن کریم آمده است:



۲۷. همان / ص ۲۱۰.

۲۸. همان / ص ۲۴۶.

۲۹. سوره ی قصص / ص ۳۰.

۳۰. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۶۹.

۳۱. همان / ص ۱۰۷.

۳۲. همان / ص ۵۲.



«فلما ذهبوا به واجمعوا ان يجعلوه في غيابة الجب» (۳۳)

همین که او را به صحرا بردند بر این عزم متفق شدند که حضرت یوسف علیه السلام را به چاه در افکنند. و امام در این ارتباط سروده اند:

یوسف از چاه بیرون آی تا شاهی نمائی
گر چه از این چاه بیرون آمدن آسان نبود (۳۴)
در قرآن کریم آمده است:

«اذ قال يوسف لایه یا ابت ائی رایت احد عشر کوباً و الشمس

والقمر رایتهم لی ساجدین» (۳۵)

و امام چنین سروده اند:

یوسفی باید که در دام (لیفاً دل نیازد)
ورنه فورشید و کواکب در برش مقتون نداند (۳۶)
در قرآن کریم آمده است:

«و راودته الی هوئی فی سبیلها عن نفسه و غلقت الابواب» (۳۷)
این آیه نیز با همان سروده فوق مرتبط است.
در قرآن کریم آمده است:

«ولما فصلت العیر قال ابوهم ائی لاجد ریح یوسف لولان تقتدون» (۳۸)

حضرت امام همچون بسیاری از شعرای فارسی زبان از ماجرای بوی پیراهن یوسف بهره گرفته اند و اینچنین سروده اند:

یوسفم گز نزد بسر بالینم سر

همچون یعقوب دل آشفته ی بوییش باشم (۳۹)

امید است این مختصر مورد توجه قرآن پژوهان در وادی شعر و ادب و دستداران حضرت امام قرار گیرد.

۳۳. سوره ی یوسف / ۱۵.

۳۴. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۸۰

۳۵. سوره ی یوسف / ۴.

۳۶. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۶۸

۳۷. سوره ی یوسف / ۲۲.

۳۸. سوره ی یوسف / ۹۲.

۳۹. دیوان امام / مجموعه اشعار / ص ۱۵۲